■ روزنـامه فرهنگی، اجتمـاعی صبـح ایـران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

پنجشنبه ۷ آبان ۱۳۹۸ | ۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۳۶ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Thursday - 2019 November 28

حدیث روز: امام رضا(ع)
بخل، آبرو را بر باد می‌دهد
بحارالانوار

پلک احساس: حافظ
سرشکم آمد و عیبم بگفت روی به روی
شکایت از که کنم خانگیست غمازم

امروز در تاریخ:
- روز نیروی دریایی ارتش
- درگذشت حمید مصدق شاعر معاصر (۱۳۷۷ ش)
- درگذشت رضا سجادی اولین گوینده و دوبلور رادیو بود (۱۳۹۴ ش)
- به قدرت رسیدن موسولینی (۱۹۲۱م)
- سازمان ملل قطعنامه صادر و حمله مصر به اسرائیل را محکوم کرد (۱۹۵۶م)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۱/۵۲ | غروب آفتاب: ۱۶/۵۲
اذان مغرب: ۱۷/۱۱ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۸
اذان صبح (فردا): ۵/۲۵ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۵۳

پیش‌بینی آب و هوا جمعه

تهران	اصفهان	اهواز	ارومیه	اراک	شیراز	شهرکرد	مشهد
۱۴ / ۶	۱۶ / ۰	۲۴ / ۱۴	۱۲ / ۱-	۱۳ / ۰	۱۸ / ۲	۹ / ۸	۱۶ / ۴

حکمت ۱۵: نهج‌البلاغه
هر فریب خورده‌ای را نمی شود سرزنش کرد.

گفت‌وگو با علیرضا خمسه، استاد کمدی

باخودم کاملا هماهنگم!

بوق اشغال

عکس: وهاب امانی

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

بای بسم!...
استاد بخشی از وجود و شخصیت ماست گستره‌هایی از خودیت ما با کارهای‌شان شکل یافته با کارهایش زیسته‌ایم و... در طراحی پرسش‌ها که به گفته ایشان متنوع بود و جامع از آرای اندیشگرانی چند() بهره بردم که در باب کمدی و خنده درفشانی‌ها کرده‌اند، اما در هم‌سخنی با استاد، گستره آگاهی و دانستگی‌اش شگفت‌زده‌ام کرد و...

این‌که دیوانگان اغلب می‌خندن!
چون هیچ شناختی ندارن.
عاقلان که می‌خندن؟
چون می‌دونن جهان گذراست.
وآن‌چه که می‌مونه؟
در نهایت، پاکی و صلح و خیر و سپیدی و روشناست.
چه وقت با خودتون هماهنگین؟
معمولا با خودم همیشه هماهنگم.
کی ناهماهنگی پیش میاد؟
در صورتی که مُرده باشم.
خدا نکنه، نام و آثار شما که ماناست.
اصلا انتخاب فرهنگ و هنر و ادبیات، انتخاب جاودانگی‌ست.
تلاش‌تون که ناگهان به هیچ و تهی برسه، می‌خندین یا؟
من تلاشی نکردم که به تهی برسه.
تلاش شما در این نیم‌قرن کار؟
برای خندوندنِ مردم بوده
احساس‌تون از این قضیه؟
اینه که در برخورد با مردم پاداشم رو می‌گیرم چه در نگاه چه کلام‌شون.
احساس موفقیت؟
این که تونستم مردم رو در بدترین شرایط مثل حال حاضر بخندونم.
کسی که موفق میشه در هر شرایطی مردم رو بخندونه؟
احساس پیروزی داره.
تجلی بهشت در دنیای ما؟
در رفاهِ ملت در لبخند ملت و امید به زندگی ملته.
خیلی دوره، اما بسی نزدیکه؟
اون لحظات زندگیه هر لحظه که نیومده خیلی دوره، اما وقتی پیشت هست قدرش روندونی.
همیشه حاضر؟
کسی‌ست که در لحظه هوایی رو که استنشاق می‌کنه تحلیلش می‌کنه.
شما رو تبدیل به شما کرد؟
مادر و پدرم.
شما سیال هستین و در حال حرکت؟
بله! بله!
این تعریفم از کمدینه، موافقین؟
بله! بله!
انسان‌های جامد؟
حافظ درباره‌شون [فرموده] نمُرده براشون نماز میت واجبه!
کسانی که درجا می‌زنن؟
خودشون نمی‌دونن درجا می‌زنن کافیه عکسی بگیریم نشون‌شون بدیم ببینن کجا قرار بوده برسن که نرسیدن.
فوران ایده‌ها کی رخ میده؟
موقعی که کنار خانواده‌ام نگرانی و تنش و اضطراب ندارم.
مفیدترین ارتباط؟
ارتباطای دوستانه و صمیمانه.
مهم‌ترین ارتباط؟
ارتباطای کاری که به یه نتیجه اجتماعی منجر میشه.
چی پدیده است؟
هر چی که غیرمنتظره‌ست.
چی خیلی پیچیده است؟
از انسان پیچیده‌تر من ندیدم.
نسبت به دیگران خاصیت ویژه داشتن؟
یعنی متمایزشدن و یگانه شدن.
یگانگی تون رو در چی پیداکردین؟
در لبخند همیشگی.
کی ترمز می‌برین؟
در ترافیك در شرایطی که قابل ذکر نیست در روزمرگی.
خدا نکرده کی ریپ می‌زنین؟
دخل و خرجم که به هم نخونه.
مگه میشه؟
شده، بله!
کی تخته‌گاز می‌تازین؟
وقتی فکر می‌کنم هدف رو پیداکردم و مسیرم رو هم درست برگزیدمش.
تلاش برای دیده نشدن یا ناشناس موندن؟
بله. موقعی که با خانواده داریم میریم رستوران.
با این سرشناسی، سخت نیست؟
این سختی بیشتر برای اعضای خانواده منه تا من.
از سختی شهرت؟
در اصل نیشی‌ست که خود زندگی داره و شهرت بهت میده.
و نوش زندگی؟
این رو هم شهرت بهت میده.
خوبی شهرت؟
معمولا هیچ دری به روی تو بسته نیست.
ثروتمند بودن درست؟
ثروت واقعی داشتنِ دوستای خوب و صمیمیه.
برنامه‌های استعدادیابی؟
این برنامه‌ها در اصل، کشف استعدادها و سرکوب اوناست.
چه جالب! سرکوب؟
کشف می‌کنیم ببینیم چه کسانی نخبه‌اند و نذاریم اونا نظم ما رو به هم بریزن!
اگه استعدادتون کشف و شکوفا نمی‌شد؟
مال من تقریبا جزو همون سرکوب‌شده‌هاست خوشبختانه!
چرا خوشبختانه؟
چون اگر به وقت خودش کشف شده بود چنان سرکوب می‌شد که شما الان هیچ نشونی از من نمی‌گرفتی... آره!
ارزش خیلی زیاد دارین؟
امید! امید به آینده.
باور به ژن خوب و مرغوب؟
والا من به ژن معیوب بیشتر اعتقاد دارم.
پرده نقره‌ای؟
تموم رویاهای کودکی، جوونی و کهنسالی‌م.
صفحه تلویزیون؟
برای من روزنامه‌س.
صحنه نمایش؟
صحنه رویاپردازی.
کسی که با تکیه بر قابلیت‌های شخصیش کسی شده؟
توی دوتا جامعه میشه درباره‌اش صحبت کرد.
در جهانِ اول؟
اونجا چنین کسانی بسیارن.
توی جهان سوم؟
معمولا کسانی‌اند که به یك کانونی از قدرت وصلن.
رنگی متفاوت داشتن از دیگران؟
هرکس باید رنگ خودش رو جست‌وجو کنه.
نباید در این جست‌وجو...؟
دنبال رنگ غالب مردم نباشی چون یه‌جور تبعیت از جریان‌های روزمره‌ست.
وقتی رنگ خودت رو داری؟
آره دیگه، [مولوی] رو به یاد میاری: چون که بیرنگی اسیر رنگ شد...
روزی که صدر اخبار باشین؟
بستگی به مقطع اجتماعی داره.
وقتی آرامش جامعه برقراره؟
تیتر شدن یعنی یه اتفاق خوشایند.
وقت تلاطم و حوادث غیرمترقبه؟
نام شما در صدر خبرها مترادفه با مرگ.
کسانی که می‌کوشن در شبکه‌های اجتماعی ابراز وجود کنن؟
کسانی هستن که جایی در دنیای واقعی ندارن.
یه روز رسانه‌های نوین اگه در اختیارتون بود چی نشر می‌دادین؟
فراموش کنین جنگ رو ایده‌آل رو ایدئولوژی رو! به این فکرکنین که زاده شده‌ایم برای زیستن، لذت بردن از زندگی و شادمانی.
از لذت‌هایی که دوست دارین؟
هیچ لذتی بالاتر از احساس آرامش در مردم ایران‌زمین نیست.
سلبریتی‌های بی‌فضیلت؟
پشت هر نامی یه حقیقتی هست منتها تمام حقیقت‌ها دوست‌داشتنی نیست.
شده شوخ‌طبعی، کار دست‌تون داده باشه؟
بله.
مثال بزنین خواهش می‌کنم.
در یه جامعه فهمیده و فرهیخته با سطح آگاهی بالا شوخ‌طبعی وسیله‌ای تلقی میشه برای لطیف کردنِ زندگی اما در یه جامعه نابالغ به عنوان خصومت و دشمنی!
شوخ‌طبع‌ترین بازیگر؟
چارلی چاپلین.
پس بزرگ‌ترین کمدین، ایشون رو می‌دونین؟
بله. بله دقیقا.
موهاتون رو با چه آردی سفید کردین؟
من با آرد تجربه.
چون فرانسه و آمریکا بودین (برای تحصیل) ایرانی‌ها خوشمزه‌ترن یا اونا؟
به نظر من ایرونی‌ها شوخ‌طبع‌ترین ملت جهانن.
چرا این‌قدر سخته خندوندنِ ایرونی‌ها؟
آخه شرایط دشوارشده. در پیشه و گذاری قرارگرفتن که اولویت‌هاشون تغییرکرده.
کسی مث شما رو چه نیازی به مدرك؟
من هیچی.
پس قضیه‌اش چیه: مدرك رو بذار درِ کوزه، آبش رو بخور؟
اون مال دوره‌ای بود که کوزه وجود داشت.
پایتخت روح شما کجاست؟
مرکز روحم عشق و شادمانیه.
و رنگ‌آمیزی روح‌تون؟
سبز و آبی.
یه وقتی داشت حال دیگه اهمیتی نداره؟
شهرت. ثروت.
الگوی نوجوونی‌تون؟
همیشه الگوم چارلی چاپلین بود.
خانم معتمدآریا باری گفتن همه سینما یه طرف، چارلی چاپلین یه طرف.
من حالا میگم همه چارلی چاپلین یه‌طرف، علیرضا و خانم معتمدآریا یه‌طرف.
از ارزش‌های سینمای کمدی؟
فراهم کردنِ شرایطی که بتونه اوضاع و احوال رو برای ملت ایران قابل تحمل بکنه.
حالا انرژی مفید بدین.
یکی این که سهل و ساده بگیرن روزمره رو. یکی این که پایان شب سیه سپیدست یعنی هرلحظه احساس کردن در تاریکی قرار دارن بدونن هر تاریکی پایانی داره.
این گزاره: من می‌خندم پس هستم؟
دقیقا جمله خودمه.
روح شما رو چی مدیریت می‌کنه؟
عشق.
طلایی‌ترین روز زندگی؟
روزی که عاشقانه همسرم رو پیداکردم و دخترام به دنیا اومدن.
کسی که عاشقه، اما ناممکن؟
شرایط خیلی‌هاس.
بزرگ‌تر عاقل مث شما بهشون چی میگه؟
بهش میگه برو بمیر.
راز ماندگاری دوستی‌های پایدار؟
نداشتنِ توقع زیاد از ارتباط.
وقتی دوست داشتن در شما تازه میاد و باعث اصلاح و بیانش می‌کنی. مث کسیه که نیاز فوری به دست‌شویی داره و باید بره اونجا.
کسانی که تاثیرشون کوتاه‌مدته؟
مث باتری می‌مونه؛ کم دوام و پُردوام. انتخابش با شماس هزینه‌ش رو شما باید بپردازی.
احساس زلزله در روح‌تون؟
وقتی تمام آن چه ساختی و پرداختی یه باره نقش برآب میشه.
منظور مثبتش بود ایده‌ای شکوفایی قبلی‌ها میشه! اون دیگه اسمش زلزله نیس. بچه‌ها بهش میگن ترکاندن.
بله ما که توی هر کاری سعی می‌کنیم بترکانیم دیگه.
انتظاری که این روزها از خودتون دارین؟
اینه که تنبلی رو کنار بذارم و به ایده‌هایی که ذهن دارم جامه عمل بپوشونم.
این که کمدی‌ساز و کمدی‌نویس قابل نداریم؟
برای این که جامعه‌مون جوری نیس که دنبال کمدی باشه.
کسی که دوست‌تون داره و می‌خواد باهاتون بجوشه؟
باید خنده رو درك کنه.
گرایش هم‌اکنون؟
به آرامش
شوخ‌طبعی خصلت جمعی ماست برای افزایش و بارآوریش؟
شرایط اجتماعی رو فراهم کنیم.
یك امر کمیك؟
اونچه رو که ساختی به ضد خودش تبدیل بشه.
واقعیت وجودی شما؟
خندوندن. خندیدن. و باز خندوندن و خندیدن.
بگم موقعیتی الان خلق کنین که خواننده بخنده و بیندیشه، چی می‌فرمایین؟
می‌گم: یه عده‌ای تلاش می‌کنن تو رو بکشن و تو رو کشتن، تشییع جنازه‌ت کردن. توی قبر پا میشی می‌گی که آهای... زاده‌ها! من هنوز زنده‌ام (استیو مک‌کویین در فیلم پاپیون).
از سختی‌های رسیدن به جایگاه شایسته یك هنرمند؟
کل هستی و زندگی یه مبارزه است هرلحظه باید با موانعی که در مقابلت قرار دارن مبارزه کنی.
برای؟
اثبات هویت و موجودیت خودت.
اگه کسی این مبارزه رو درك نکنه؟
توی شهرت و زمینه‌های کاری و هنری هم این رو درك نخواهدکرد.
نسبت معنادار خندیدن و اندیشیدن؟
رشد و شناخت.
برای تغییر ذائقه و تعالی مخاطب‌های ایرونی؟
تا لحظه‌ای که زنده هستین قدر زنده بودنتون رو بدونین.
از نظر کمدی گفتم به خاطر وفور آثار سخیف!
بهترین توصیه اینه که کارهای شاخص سینمای کمدی رو پیداکنن و ببینن.
وقتی خودتون رو تماشا می‌کنین چی می‌بینین؟
می‌گم به به! این منم طاووس علیین شده!
یادمه با دماغ‌تون شوخی کردین؟
من با همه جام شوخی کردم، اما دماغش به گوش شما رسیده!
خیلی خیلی خیلی بهش توجه دارین؟
زیبایی خودم.
سعی می‌کنین فراموشش نکنین؟
باز همین زیبایی خودم.
حیات بخشه برای شما؟
عشق.
مولوی: «عشق و عشق و عشق و عشق و عشق و عشق»؟
ای بی‌خبر از ساختن و سوختنی / عشق آمدنی بوَد نه آموختنی. بله!
خب. ما در واقع باید بگیم...؟
بگیم شب بخیر دیگه!

قابل توجه تولیدکنندگان خمیردندان

آذر مهاجر
ادبیات و هنر

او فقط ما را نمی‌خنداند، علیرضا خمسه خیلی خوب می‌خندد، به همه‌چیز. حتما شنیده‌اید چطور ماجرای تولدش را تعریف می‌کند و ریسه می‌رود از شکل و شمایلی که خداوند قسمتش کرده است. برای این‌طور خندیدن باید از مرز زودرنجی‌ها و نازك‌دلی‌های معمول عبور کرده باشی، باید رسیده باشی به سبکبالی و بی‌پروایی از قضاوت شدن و مورد تمسخر قرار گرفتن. وقتی این‌طور می‌خندی که بزرگ شده باشی تا اندازه‌ای که دیگر هراسی نداشته باشی از تحقیر شدن، خرد شدن و ناچیز شمرده شدن. خندیدن‌های خمسه حتی اگر به خودش باشد از آگاهی می‌آید، از درك تضادها و تناقض‌ها، از فهم فاصله میان زشتی و زیبایی. بی‌تردید خندیدن شور و شعور می‌خواهد که به نظر می‌رسد خمسه از آنها بی‌بهره نیست و البته دندان خوب هم لازم دارد که این یکی را خدا قسمتش کرده و بد جوری مناسب است برای تبلیغ خمیردندان و مسواك و سایر محصولات مرتبط با بهداشت دهان و دندان. بیشتر از هر کسی خود خمسه می‌داند که تصویر چهره‌اش اگر برای تبلیغ هیچ کالایی کاربرد نداشته باشد، حتما برای تبلیغ خمیر دندان و آموزش استفاده از قند کمتر به کودکان محشر است و به این تخیل بال و پری داده به وسعت قهقهه. فقط می‌ماند که این استعداد بزرگ را مدیران تبلیغاتی کشف کنند و بهره‌ای از آن ببرند که خمسه هم بی‌بهره نماند از سفره‌ای که برای سلبریتی‌ها پهن است. خمسه چه کم از گلزار دارد؟

خمسه بر هر درد بی‌درمان دواست

علی رستگار
فرهنگی

سال ۹۵ در یکی از همین روزها بود که برای تماشای فیلم سه‌بعدی و کودکانه «جنجال در عروسی» به یکی از پردیس‌های سینمایی رفتم؛ نه این‌که کودك درونم فشار آورده و مرا مجبور به این تماشا کرده باشد، نه، بلکه دلیل دیدن این فیلم، مصاحبه با بازیگرش علیرضا خمسه بود. فردای آن روز خمسه با همان حکمت شادان و لبخند همیشگی‌اش مهمان ما در جام‌جم شد و وقتی قبل از گفت‌وگو از فیلم انتقاد کردم و گفتم این فیلم کودکانه را دوست نداشتم، به صورت پرمحاسنم (اینجا منظور همان پُرریش است و نه حسن و خوبی) نگاه کرد و با خنده‌ای منتهی به قهقهه گفت این فیلم مال بچه‌هاست، نه شما با این همه ریش و پشم!

لذت آن همنشینی و گفت و گو همراه خاطره‌های خوب مصاحبه‌های قبلی و بعدی و بعد هم اخذ یادداشت‌های شفاهی از او که برای مدتی در صفحه سینمایی روزنامه منتشر می‌شد، باعث شد به فکر گفت‌وگویی مفصل‌تر و جامع‌تر با این بازیگر خوب و دوست‌داشتنی بیفتم؛ مصاحبه‌ای زندگینامه‌ای و در دست انتشار که شامل زندگی شخصی و حرفه‌ای و همه آثار سینمایی، تئاتری و کارهای مهم و خاطره‌انگیز تلویزیونی او می‌شود و خمسه با حوصله و صبوری و روی گشاده، پاسخگوی انبوه سؤالات من شد. هرچند پیشتر هم به دانایی و فرهیختگی این بازیگر آگاه بودم، اما در خلال این گفت‌وگوی طولانی، به شناخت بیشتر و کامل‌تری از خمسه رسیدم و بزنم به تخته از این حجم از دانش و اطلاعات او حظ بردم. ترکیب اینها با انسانیت، مهربانی، هنرمندی و شوخ‌طبعی، شخصیتی ممتاز، محبوب و غبطه‌برانگیز از او می‌سازد. خمسه سال‌هاست که در آثار نمایشی با سلاح خنده به جنگ غم و ناخوشی رفته و ما تماشاگران و دوستدارانش را هم دست‌کم هنگام تماشای آن کارها، در مقابل مسائل و مشکلات زندگی و اندوه زمانه بیمه کرده است. او به عنوان کمدینی بزرگ و خاطره‌ساز، همچون دیگر کمدین‌های برجسته، نقش مهمی در شکل‌گیری برخی لحظات خوب و خنده‌دار زندگی ما دارد و از این نظر قدردان او هستیم که عمری ما را به شادمانی مهمان کرده است و همچنان خندانندگی بی‌دریغش را بر جهان ارزانی می‌دارد، هرچند که سینمای ایران در سال‌های اخیر موقعیت این خنداندن را از او دریغ کرده و در این برهوت خنده درست و درمان و بدون ابتذال، بهره درست و کاملی از این نمکستان سینمایی نبرده باشد.

۱۰ سوال داغ

۰۱	۰۲	۰۳	۰۴	۰۵	۰۶	۰۷	۰۸	۰۹	۱۰
این‌که دیوانگان اغلب می‌خندن! چون هیچ شناختی ندارن	عاقلان که می‌خندن؟ چون می‌دونن جهان گذراست	شوخ‌طبع‌ترین بازیگر؟ چارلی چاپلین	موهاتون رو با چه آردی سفید کردین؟ من با آرد تجربه	روح شما رو چی مدیریت می‌کنه؟ عشق	یگانگی‌تون رو در چی پیداکردین؟ در لبخند همیشگی	این گزاره: من می‌خندم پس هستم؟ دقیقا جمله خودمه	یه وقتی داشت حال دیگه اهمیتی نداره؟ شهرت. ثروت	پایتخت روح شما کجاست؟ عشق و شادمانیه	رنگ‌آمیزی روح‌تون؟ سبز و آبی